

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۳ ♦ بهار ۱۳۹۳
صفحات: ۱۳۱-۱۵۳ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۲/۱۸



بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره زیارت قبور

عبدالمحمد شریفات *

چکیده

زیارت در لغت «تمایل و میل کردن» است و در اصطلاح مذهبی زیارت نوعی دیدار خاص (توأم با اکرام) از بزرگان و پیشوایان دینی است؛ چه به حسب ظاهر در قید حیات باشند یا از دنیا رخت بر بسته باشند. ابن تیمیه تعریف درستی از زیارت قبور نداده و در تعریفش تشبث و تضاد دیده می‌شود. ظاهراً وی میان مفهوم زیارت و مصادیق آن و همچنین میان بدعت و ضلالت و شرک خلط کرده است. ابن تیمیه با شرعی و توقیفی دانستن زیارت، آن را منحصر در سلام کردن، دعا کردن برای میت و عبرت‌آموزی می‌داند. همچنین با تقسیم زیارت در عرف سلف و عرف متأخران، زیارت نوع دوم را که شامل درخواست دعا از میت، استغاثه، توسل و ... می‌شود، بدعت، ضلالت و شرک برمی‌شمارد. وی قیودی به زیارت اضافه کرد که در نهایت اصل زیارت محل تردید واقع شد. مهم‌ترین دلیل ابن تیمیه در شرط و عدم شرط دانستن قصد سفر در سه مسجد (مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی) و دیگر اماکن، روایت «شد الرحال» است که بر فرض صحت سند دلالت آن اشکالات عمده‌ای دارد. عوامل مختلفی ابن تیمیه را به بیراهه کشیده است که در مقاله به آن اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، ابن تیمیه، وهابیت، بدعت.

◆ مقدمه

مسئله زیارت و سفر به قصد زیارت قبور پیامبران، ائمه اطهار علیهم السلام، صالحان و مؤمنان، از جمله موضوعاتی است که همواره مورد قبول مذاهب و فرق اسلامی، به ویژه امامیه، بوده است.

ابن تیمیه که پایه‌گذار افکار وهابیت به شمار می‌آید قصد سفر برای زیارت را بدعت، ضلالت و شرک می‌داند و متأسفانه در قرون اخیر منشأ فتنه‌هایی شده، و ضررهای جبران‌ناپذیری به جامعه اسلامی وارد کرده و باعث اختلاف، درگیری و در نتیجه قتل عام مسلمانان شده است که البته دوری علما از سنت حقیقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مفسران واقعی آن عامل اصلی به حساب می‌آید.

از آنجا که بنا بر احادیث و سیره مسلم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، صحابه و علمای مذاهب، مسئله زیارت قبور از اعمال مستحب است و بدعت دانستن قصد سفر، ادعای بدون دلیل است و با فرض صحت سند حدیث، تنها افضلیت و ارزش والاتر مساجد سه‌گانه نسبت به سایر مساجد به عنوان مقصد سفر، از آن برداشت می‌شود، نه حرمت یا کراهت و یا حتی عدم ثواب برای سایر سفرهای عبادی و زیارتی، یا سایر سفرهایی که با نیت طلب دانش یا دیدار نیکان، گردشگری و سیر در طبیعت و جوامع صورت می‌گیرد، لذا جا دارد مسئله زیارت قبور بدون تعصب و با رجوع به منابع دست اول، به خصوص کتب و فتاوی ابن تیمیه، به عنوان نظریه‌پرداز این دیدگاه، بررسی شود و اثبات کنیم که:

۱. تعریف ابن تیمیه از زیارت، و تقسیم آن به زیارت بدعی و شرعی و دخیل دانستن قصد سفر با آموزه‌های اهل سنت نیز مغایرت دارد و سفر به قصد زیارت مقابر ائمه اطهار و اهل بیت آنان امری جایز است و با آموزه‌های دینی مغایرتی ندارد.

۲. این تکفیر و مشرک دانستن مسلمانان هیچ‌گونه ربطی به شریعت اصیل اسلامی ندارد، بلکه ناشی از خوی پست و زشت آنهاست. بلکه عمده دلیل استبداد در اجتهاد است.

۳. روایت شد الرحال اشکالات عمده دلالتی دارد و قابل تمسک نیست. علاوه بر آن برداشت ابن تیمیه خلاف آیات و روایات و سیره مستمره مسلمانان است.

در این نوشتار به چند مطلب پرداخته می‌شود:

۱. مفهوم زیارت بنا بر نظر ابن تیمیه چیست و زیارت بدعی با زیارت شرعی چه تفاوتی دارد؟
۲. منظور ابن تیمیه از حرمت و بدعت چیست؟ آیا اصل زیارت حرام و بدعت است یا اینکه اصل زیارت مانعی ندارد، بلکه سفر به قصد زیارت حرام است و در صورتی که زیارت در ضمن عملی دیگر صورت بگیرد مانعی ندارد؟
۳. مانع اصلی در حرام دانستن زیارت یا شرک دانستن آن چیست؟
۴. زیارت مردان و زنان بنا بر دیدگاه ابن تیمیه چه حکمی دارد؟
۵. مهم‌ترین دلیلی که ابن تیمیه به آن تمسک می‌کند چیست؟
۶. نقد دلالتی حدیث مذکور در حد مقدور.

♦ تعریف زیارت

یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی، هنری و معنوی آنان می‌شود؛ افزون بر اینکه عامل پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده با نسل‌های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است.

♦ زیارت در لغت

زیارت از ریشه «زور» است. اصل این واژه به معنای میل و عدول از چیزی است. زائر را از آن جهت زائر می‌گویند که وقتی به زیارت تو می‌آید از غیر تو عدول می‌کند و رو برمی‌گرداند.^۱ در فرهنگ و اصطلاح مذهبی زیارت نوعی دیدار خاص (توأم با اکرام) از بزرگان و پیشوایان دینی است، چه به حسب ظاهر در قید حیات باشند یا از دنیا رخت بر بسته باشند.^۲

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶.

۲. <http://www.askdin.com/showthread.php?t=9316>

♦ زیارت قبور بنا بر دیدگاه ابن تیمیه

با بررسی متون روایی - فقهی به خوبی روشن می‌شود که ابن تیمیه زیارت قبور را به دو قسمت - شرعی و بدعی - تقسیم کرده است و درود و سلام فرستادن بر میت و دعا کردن را زیارت می‌نامد^۱ و تنها این نحوه از اعمال را زیارت شرعی می‌داند، و زیارت معمول مسلمانان را به بهانه ضعیف بودن روایات زیارت^۲، وجود روایات خلاف^۳، تصور فقدان عملکرد صحابه بر نحوه جاری بین مسلمانان^۴، توهم وجود ادله مبتنی بر مخالف بودن عملکرد صحابه با این نحوه زیارت معمول در جامعه و با استناد به روایت ابن عمر، بدعی شمرده است.^۵

ابن تیمیه در مجموعه کتب و رسائل و فتاوی می‌نویسد: «به کار بردن لفظ زیارت برای قبر پیامبر ﷺ و استحباب آن از جانب صحابه امر شناخته شده‌ای نیست».^۶

پرسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ابن تیمیه زیارت قبور معمول را چه می‌نامد؟ آنچه از عبارت وی می‌شود فهمید و البته صراحت هم دارد این است که وی زیارت معمول را مشترک لفظی می‌داند و مسلمانان را اهل بدعت شمرده و قائل است اهل بدعت^۷ زیارت را که یک اصطلاح شرعی است که پیامبر وضع کرده، در غیر معنای شرعی‌اش به کار برده‌اند. از باب مثال در فتاوی خویش می‌نویسد:

زیارت، نوعی اصطلاح شرعی دارد و آن اصطلاح را پیامبر وضع کرده است، و به عملی که متضمن سلام و دعا بر میت باشد اطلاق می‌شود و

۱. ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ص ۱۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همو، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه، ج ۲۷، ص ۲۴۵.

۵. همان.

۶. همان.

۷. وقتی ابن تیمیه با چنین وقاحتی مسلمانان را اهل بدعت می‌داند جای تعجب نیست که شخصی در قرن ۱۲ به نام محمد بن عبدالوهاب با تقلید کورکورانه از ابن تیمیه مسلمانان را اهل بدعت می‌شمارد و هتک حرمت به جان و مال و ناموس مسلمانان را جایز بداند و بدتر از آن امروزه عده‌ای آرا و افکار این شخصیت را با آب و تاب تبلیغ می‌کنند.

در غیر این مورد مشترک لفظی است که اهل بدعت آن را در غیر معنای شرعی‌اش به کار برده‌اند.^۱
و اما عبارت ایشان در مجموع/الفتاوی گویند این است که زیارت معمول بدعت و دلالت بر اشتراک لفظی زیارت می‌کند:

لفظ زیارت قبور در عرف متأخرین (مقصود آن از زیارت در عرف متأخرین این است که در زیارت درخواست دعا از میت، استغاثه، توسل و ... صورت بگیرد و یا حتی اگر به این نیت که چون نماز و عبادت خدا در این اماکن فضیلت بیشتری نسبت به مساجد دارند به آنجا برود) مشترک لفظی بین زیارت بدعی و زیارت شرعی گردید، و بیشتر متأخرین آن را تنها در معنای بدعی استعمال می‌کنند و معنای شرعی آن ترک شده است و به خاطر اشتراک لفظی و استعمال در معنای بدعی اطلاق لفظ زیارت ناپسندیده است.^۲

ابن تیمیه تعریف درستی از زیارت ارائه نداده و عبارات وی متناقض و سرشار از غموض و پیچیدگی است. با مراجعه به کتب وی به خوبی روشن می‌شود که وی علاوه بر اینکه تعریف روشنی از زیارت ندارد در اصل نام‌گذاری زیارت قبور مردد بود. وی در بعضی از کتب خویش شرط دیگری به نام قصد سفر را اضافه کرد و آن را در صحت زیارت لازم دانسته است. از آنجایی که بخش بعدی اختصاص به این مطلب دارد از بیان آن صرف نظر می‌کنیم.

اما باید توجه کرد که با دقت در عبارت ابن تیمیه معلوم می‌شود که وی تنها زیارتی را که با قصد سفر و صرفاً جهت دعا، درود فرستادن یا استغفار، بیان حزن و اندوه بر میت - که تازه از دنیا رفته - و یا عبرت‌آموزی صورت بگیرد صحیح می‌داند و جهت تأیید برداشت جدید خویش به کلام بزرگان مذاهب استناد کرده و با تفسیر به رأی کلام علما می‌خواهد نظریه‌شان را با نظریه خویش یکی بداند که البته این تلاش به

۱. ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ص ۹.

۲. همو، مجموع الفتاوی، تحقیق: أنور الباز، ج ۲۷، ص ۱۱۹.

جایی نمی‌رسد و کلام وی سست است. زیرا کلام علما از قبیل کلام مالک می‌تواند احتمالات دیگری داشته باشد. از باب مثال سبکی در رد برداشت ابن تیمیه از کلام مالک چنین می‌نویسد:

مراد مالک از مکروه دانستن زیارت این است که زیارت قبر به اعتبار اینکه بقعه و مکان باشد - مانند سایر اماکن دیگر - بدون لحاظ صاحب قبر باعث تقرب نمی‌شود نه اینکه قبر پیامبر از حیث اینکه جسم مبارک ایشان در آن مدفون باشد. لذا کلام مالک اقتضا نمی‌کند که زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باعث تقرب نمی‌شود کما اینکه دلالت نمی‌کند بر اینکه سفر به سوی قبر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موجب تقرب نمی‌شود.^۱

و بر فرض اینکه چنین کلامی داشته باشد و قابل توجیه نباشد نهایتاً کراهت را می‌رساند نه اینکه شخص اهل بدعت و بدتر از آن مشرک شمرده شود و از اسلام خارج شود. این مورد از جمله تناقضات صریح ابن تیمیه است. بایستی از ابن تیمیه پرسید بالأخره کسی که زیارت قبور را طبق برداشت شما انجام نداد چه عنوانی بر او منطبق می‌کنید؟ آیا اطلاق عنوان گمراه، مبتدع، مشرک بر کسانی که طبق برداشت شما زیارتشان صحیح نبوده بدعت در اسلام نیست، حال آنکه آنها طبق ادله‌ای که برایشان ثابت شده نحوه‌ای از زیارت را انجام داده‌اند که عبادت و تقرب دانسته‌اند؟ حتی اگر بدعت نباشد مخالفت صریح با علمای گذشته، به خصوص علمای مذاهب چهارگانه، است. آیا در چنین مواردی دست‌کم جای احتیاط نیست، به خصوص در این موارد که مسئله خون و مال و جان و ناموس مسلمانان مطرح است؟

در هر صورت ابن تیمیه گاهی چنین اشخاصی را گنهکار و گاهی اهل بدعت و در نهایت همه را مشرک می‌شمارد و این خطایی فاحش و خطرناک است. متأسفانه از قرن هفتم تا به حال هزاران مسلمان بی‌گناه جان خود را به خاطر کج‌فهمی و جزئی‌نگری ابن تیمیه و مقلدان بی‌سواد در آیات و روایات از دست داده‌اند.

۱. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام، ص ۲۶۱.

بالآخره شخصی که زیارت قبور را انجام می‌دهد، طبق بیان ابن تیمیه، از سه حالت خارج نمی‌شود:

۱. یا عمل حرامی مرتکب شده است که در این صورت شخص با ارتکاب گناه کبیره از دایره اسلام خارج نمی‌شود و هیچ عالمی تا به حال چنین مطلبی را مطرح نکرده و البته صریح آیات و روایات خلاف این را ثابت کرده‌اند.

۲. یا مبتدع شمرده می‌شود؛ در این صورت نیز هر بدعتی موجب خروج از دایره اسلام نخواهد بود، خصوصاً موقعی که شخص بر اساس ادله که برایش ثابت شده آن زیارت را انجام داده است.

۳. و یا مشرک شمرده می‌شود؛ که در این قسم چون مسئله اختلافی است جای احتیاط است. ثانیاً به چه دلیل اجتهاد شما جناب ابن تیمیه درست است و اجتهاد عموم صحابه و علمای مذاهب نادرست باشد. اگر شما جناب ابن تیمیه ادله‌ای را ادعا کرده‌اید که وجود دارد، حتی بر فرض وجود آن ادله، اگر خصم شما ادله بیشتری - برگرفته از آیات و روایات و عملکرد صحابه و تابعین - دارد به چه دلیل همه این ادله را نادیده گرفته و تنها نظر خویش را بر حق دانسته‌اید؟ آیا این استبداد در اجتهاد نیست؟ چرا این همه یک‌طرفه می‌تازید؟

شاید برای خواننده این پرسش پیش بیاید که چرا بحث از موضوع کلی (جواز و عدم جواز زیارت به نحو عموم) به موضوع جزئی (زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) منتقل شد؟ در جواب خواهیم گفت حکم عموم از حکم همین جزئی روشن خواهد شد.

بنابراین، ابن تیمیه معتقد است سفر به قصد زیارت قبر بدعت و شرک شمرده می‌شود و سفر بدون قصد قبر بلکه اگر زیارت با قصد سفر و صرفاً جهت دعا، درود فرستادن یا استغفار، بیان حزن و اندوه بر میت - که تازه از دنیا رفته - و یا عبرت‌آموزی باشد مانعی ندارد و به آن زیارت شرعی اطلاق می‌شود و در غیر این صورت مثلاً اگر کسی جهت زیارت قبور انبیا و اولیا برود و مقصود آن از زیارت درخواست دعا از میت، استغاثه، توسل و ... باشد یا حتی اگر به این نیت که چون نماز و عبادت خدا در این اماکن فضیلت بیشتری نسبت به مساجد دارد به آنجا برود آن زیارت را مشروع نمی‌داند و این نحوه زیارت را به متأخرین نسبت می‌دهد که هیچ‌گونه سنخیتی با

زیارت صحابه و تابعین ندارد و تنها عنوان آن با زیارت شرعی (زیارتی که ابن تیمیه در عبارت فوق بیان کرد) یکی است لذا این زیارت بدعت و حرام بوده و از مصادیق شرک شمرده خواهد شد، و به چنین زیارتی، زیارت بدعی اطلاق می‌شود.

♦ دیدگاه ابن تیمیه درباره زیارت قبور مردان

ابن تیمیه در کتاب *الجواب فی الباهر زوار المقابر* در خصوص اعتقاد طوایف اسلامی درباره زیارت قبور می‌نویسد: مسلمانان در مورد زیارت قبور اختلاف کرده‌اند و آنها را می‌شود در سه طایفه تقسیم کرد:

۱. طایفه‌ای از سلف که زیارت قبور را نهی کرده‌اند و حکم آن نسخ نشده است. چون احادیث نسخ را بخاری نقل نکرده و مشهور هم نیستند.
۲. طایفه دیگری از علما که معتقدند زیارت اشکالی ندارد. زیرا دلیل بر نسخ داریم. البته همین گروه دوم دو قسمت شدند:

۱. مالک و احمد بن حنبل که معتقدند دلیل منع زیارت قبور نسخ شد اما قائل به اباحه شدند نه استحباب. دلیل آنها این است که صیغه افعَل (امر) بعد از حظر مفید اباحه است.

۲. عده‌ای دیگر که اکثریت را تشکیل می‌دادند معتقد بودند زیارت قبور جهت انجام دعا و سلام فرستادن بر اموات مستحب است.

ابن تیمیه در ادامه تصریح می‌کند قصد دعا و نماز مصحح است. لذا در صورتی که زیارت به قصد دعا کردن و یا از جنس نماز بر میت نباشد عبادت غیر خدا شمرده می‌شود و شرک است و در حرمت آن شکی نیست.

«و لو جاء إنسان إلی سریر المیت یدعوه من دون الله و یتغیث به کان هذا شرکاً محرماً بإجماع المسلمین. و لو ندبه و ناح لکان أيضاً محرماً و هو دون الأول»^۱.

۱. ابن تیمیه، *الجواب الباهر فی زوار المقابر*، ج ۱، ص ۴۵-۴۷.

آنچه از عبارت ابن تیمیه در *الجواب الباهر فی زوار المقابر و مجموع فتاوی و دیگر کتب* به خوبی روشن می‌شود این است که مقصودش از عدم مشروعیت اصل زیارت نیست، بلکه دو عامل اصلی سبب عدم مشروعیت می‌شود:

۱. سفر به قصد زیارت؛ لذا اگر سفر صورت نگیرد مانعی ندارد. مثلاً کسی در مدینه باشد و در ضمن اعمال خودش به زیارت قبور بقیع برود.
 ۲. اعمالی که در زیارت انجام می‌گیرد اگر اعمال دعا و استغفار یا جهت عبرت‌آموزی باشد مانعی ندارد، در غیر این صورت مشروع نیست.
- هیچ کسی حق زیارت به غیرووقوف در عرفات یا وقوف در مسجدالاقصی ندارد و سفر به قصد زیارت قبور انبیا بلکه مشایخ و بزرگان به اتفاق مسلمین جایز نیست.^۱ و در جای دیگر از مجموع فتاوی ابن تیمیه تصریح دارد:

مالک و غیره تصریح کرده‌اند که اگر مسافر مقصودش از زیارت کردن زیارت قبر باشد این سفر مورد نهی واقع شده و مشمول این حدیث لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ می‌شود. و سفری عبادت و باعث تقرب است که در آن قصد سفر به مسجد آن هم برای نماز در مسجد باشد و اگر مسافری نذر سفر به مدینه کند نه برای نماز در مسجد، به درستی نهی شده از وفا کردن به آن، چراکه نذر معصیت شمرده شده است و با وجود این اقوال معروف موجود در کتب چگونه پی برده می‌شود که سفر به صرف زیارت قبور بین بزرگان اجماعی است.

ممکن است برای کسی این پرسش پیش بیاید که حالا که اجماعی نیست پس چگونه عده‌ای از بزرگان قائل به این هستند که سفر به صرف زیارت مانعی ندارد. ابن تیمیه در توجیه این مطلب این گونه پاسخ می‌دهد که آن عده هم منظورشان همین مطلب ما (یعنی اینکه سفر به قصد مسجد باشد) است:

و طایفه‌ای دیگر از علما زیارت قبر پیامبر ﷺ را مستحب می‌دانند و مقصودشان همان مقصود متقدمین است - که سفر به مسجد مستحب

۱. همو، *مجموع الفتاوی*، ج ۲۶، ص ۱۵۰.

است و اعمال مشروع در زیارت از قبیل درود و سلام فرستادن بر پیامبر ﷺ و دعا برای ایشان و ستایش کردن آن حضرت - و اعمال فوق نزد آن بزرگان زیارت قبر نامیده می‌شد.^۱

و در جایی دیگر می‌نویسد:

روایات زیارت قبور طرق مختلفی دارد و منحصر به روایت قاضی عیاض که از ابن ابی‌شیه نقل کرده نیست بلکه بیهقی و غیر آن از اعمش بن عمر خنقی از ابو عبدالرحمن از ابی صالح از ابی هریره و ایشان از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «من صلی علی عند قبری سمعته و من صلی الله علیه نئینا بلغته»؛ هر کس کنار قبرم بر من درود و صلوات بفرستد آن را می‌شنوم و چنانچه از دور صلوات و درود بفرستد به من خواهد رسید.

ابن تیمیه در روایت فوق اشکال می‌کند و می‌گوید قبلاً گفتیم منظور رساندن درود و سلام امت به ایشان است، همان‌گونه که در احادیث معروفه مثل حدیث که در کتاب سنن ابی داود است.

ابن تیمیه در ادامه می‌نویسد:

این حدیث فوق را ابی‌داود، نسایی، ابن‌ماجه و ابوحاتم روایت کرده‌اند و کلام بیهقی را آورده که قائل است برای این حدیث شواهدی وجود دارد و بیهقی دو روایت از ابن‌مسعود و ابی‌امامه نقل کرده است.

سپس ابن تیمیه می‌گوید: «که شواهد بهتری - از قبیل روایت ابن‌ماجه، محمد بن جریر طبری در تهذیب الآثار از حدیث سعید بن ابی هلال، روایت ابو داود و غیره از ابی هریره - نسبت به شواهدی که بیهقی نقل کرده وجود دارد».

نکته حائز اهمیت این است که از ابن تیمیه بعید است که با توجه به اینکه وی حتی روایات صحیح را تضعیف کرده در این موارد تمسک به شواهد مرسل کرده، و معتقد باشد این روایات وجوهی دارند که یکدیگر را تصدیق می‌کنند.^۲

۱. همو، الرد علی الأحنائی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. همان، ص ۸۷.

با بررسی کتب ابن تیمیه و دیگر سلفیان به این نتیجه رسیدیم که:
 اولاً: ابن تیمیه و مقلدان او اصل زیارت را قبول دارند و بحثشان درباره سفر به قصد زیارت قبور است؛ هم ابن تیمیه (قبلاً ذکر شد) و هم وهابیان معاصر تصریح دارند اصل زیارت قبور اشکالی ندارد و پیامبر ﷺ نیز به زیارت قبور اهل بقیع و شهدای احد می‌رفتند و برایشان دعا می‌کردند.
 زیارت قبور مسلمانان فقط برای مردان جهت دعا و عبرت‌آموزی جایز است، البته اگر در شهر خودش باشد یعنی مسافرت بر آن صدق نکند به دو دلیل:^۱
 اولاً: سنت پیامبر این بود که به زیارت قبور اهل بقیع و شهدای احد می‌رفتند و برایشان دعا می‌کردند.
 ثانیاً: اگر مرده در شهر خودش باشد و جهت دعا کردن و عبرت‌آموزی به زیارت قبر برود اشکالی ندارد.^۲
 اما اگر مرده در شهر دیگری باشد که لازمه زیارت آن مسافرت کردن است بار سفر بستن برای زیارت قبر جایز نیست، حتی اگر قبر پیامبر ﷺ باشد.^۳

♦ زیارت زنان

ابن تیمیه در کتاب *إقامة الدلیل علی إبطال التحلیل* در پاسخ به کسی که از او درباره زیارت زنان پرسیده بود می‌گوید: زیارت قبور زنان بنا بر قول اظهر اهل علم حرام است و استناد به دو حدیث می‌کند:
 ۱. حدیث ابی هریره از پیامبر ﷺ: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ» که احمد بن حنبل، ابن تیمیه، ابن ماجه و ترمذی آن را نقل و تصحیح کرده‌اند.^۴
 ۲. و روایت ابن عباس از پیامبر ﷺ که اهل سنن (ابوداود، نسائی، ترمذی و ابن ماجه) آن را نقل کرده‌اند و ترمذی درباره آن حدیث می‌گوید: حدیث حسن است.^۵

۱. *مجله البحوث الإسلامية*، ج ۲۵، ص ۷۲.

۲. همان، ج ۲۶، ص ۲۹.

۳. همان.

۴. ابن تیمیه، *إقامة الدلیل علی إبطال التحلیل*، ج ۳، ص ۲۶.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۶.

ابن تیمیه در پاسخ به کسانی که معتقدند این نهی با حدیث پیامبر ﷺ که فرموده: «كُنْتَ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُوزُوها، فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ» نسخ شده، می نویسد:

اگر کسی بگوید نهی نسخ شده کما اینکه قائلین قول دیگر (قائلین به جواز) این مطلب را گفته اند، قول خوبی نیست. چون خطاب حدیث «كُنْتَ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُوزُوها» متوجه مردان است و اگر گفته شود خطاب عام است خواهیم گفت حدیث «لَعَنَ اللَّهُ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ» خاص است و چنین خاصی بر عام مقدم می شود.^۱ بنابراین، زیارت زنان طبق نظریه ابن تیمیه حرام است.

♦ ادله ابن تیمیه

مهم ترین دلیل ابن تیمیه برای شرط دانستن قصد سفر روایت ذیل است: «لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ، مَسْجِدِي هَذَا، وَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى»؛ بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد، مسجد من، مسجد الحرام، مسجد الاقصی.^۲

ابن تیمیه بنا به ظاهر حدیث «لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»، عدم جواز سفر به مساجد و اماکن دیگر را برداشت کرده است و قصد سفر برای سه مسجد فوق را به معنای قصد انجام نماز، دعا کردن و استغفار کردن می داند؛ و سفر به قصد دیگر مساجد را مشروع نمی داند و معتقد است اگر شخصی نذر سفر به غیر این سه مسجد کند ولو مسجد قبا باشد سفر معصیت است و وفای به نذر واجب نیست. اما در خصوص دیگر اماکن، از قبیل مشاهد مشرفه و قبور انبیا و صالحان، معتقد است در صورتی صحیح بلکه مستحب خواهد بود که برای دعا و استغفار باشد و البته چنین استحبابی برای جمیع اموات صادق است و چنین زیارتی به همین قصد استحباب آن

۱. همان.

۲. ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۲۸؛ النیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، کتاب الحج.

ثابت است. اما در صورتی که زیارت قبور انبیا و صالحان به قصد طلب حاجت، درخواست دعا کردن میت برای شخص زائر، یا واسطه قرار دادن آن صاحب قبر باشد و یا با اعتقاد به اینکه نماز خواندن و دعا کردن کنار این قبور از نماز خواندن و دعا کردن در مساجد برتری و فضیلت دارد چنین عملی گمراهی، بدعت، و شرک است و هیچ یک از صحابه چنین اعمالی انجام نداده‌اند.^۱

پس بنا بر گفته‌های ابن تیمیه - که در بیشتر آثار او نقل شده - سفر زیارتی مطلقاً ممنوع است مگر سفر به سه مسجد (مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی) باشد و این یعنی اینکه ابن تیمیه «مستثنی منه» در روایت شد الرحال را مطلق فرض کرده است و چنین برداشتی صحیح نیست و تالی فاسد زیادی دارد.

لذا می‌توان گفت کلام ابن تیمیه دو اشکال عمده و اساسی دارد:

۱. مستثنی را مطلق دانسته، در حالی که مستثنی منه مطلق نیست، بلکه خاص است.

۲. روایت را منحصر در یک قرائت کرده است، در حالی که روایت به دو نحوه قرائت شده و قرائت اول صحیح بوده و با مبانی قرآنی و روایی مطابقت دارد و اینکه اکثر علما، عدم فضیلت یا کراهت نه حرمت را از روایت «شد الرحال» برداشت کرده‌اند مؤید همین مطلب است:

- «لاتشد الرحال» است که «لا» در آن «لا»ی نفی است. بنابراین نفی فضیلت برتر خواهد بود.

- «لا تشدوا الرحال» است که «لا» در آن «لا»ی نهی است و نهایت حرمت را می‌رساند که بحث فقهی بوده نه شرک تا بحث اعتقادی باشد؛ و شخص مرتکب گناه حتی اگر کبیره باشد باز هم باعث خروجش از اسلام نمی‌شود تا عنوان شرک بر آن منطبق شود.

۱. ابن تیمیه، أحكام المرتد، ج ۲، ص ۷۸.

پرسش مهم در اینجا این است که صیغه نهی یا نفی در روایت بر چه حکمی از احکام حرمت، کراهت و یا عدم افضلیت شدالرحال به غیر مساجد ثلاثه دلالت دارد؟ به عبارت دیگر، روایت درصدد سلب چه چیزی از سایر مساجد و اثبات چه چیز برای مساجد سه گانه است؟

با فرض صحت صدور و سند روایت و با محور قرار دادن سفر به مساجد در برداشت از آن، ناگزیر از انتخاب یکی از معانی محتمل زیر خواهیم بود:

۱. افضلیت و ارزش ویژه سفر به مساجد ثلاثه در قیاس با سایر مساجد؛ یعنی سفر به سایر مساجد نیز به دلیل فضل نماز و مسجد، فضیلت داشته، لکن در این مساجد، فضیلت ویژه و بالاتری وجود دارد و سفر به قصد آن، علاوه بر اینکه به عنوان مقدمه نماز ارزش دارد، مستقلاً عبادت محسوب می شود. در شرح نووی بر صحیح مسلم و آنچه نزد اصحاب و اهل تحقیق صحیح دانسته می شود، این است که می خوانیم سفر به سایر مساجد نه حرام و نه مکروه است، و مراد حدیث، بیان فضیلت کامل در سفر به سه مسجد است.^۱

۲. فضیلت داشتن سفر به مساجد سه گانه و فضیلت نداشتن سفر به سایر مساجد؛ بدین معنا که در خود سفر، ثواب و ارزشی نیست و البته نماز در آن مسجد، مستقل از سفر محسوب شده و پاداش ویژه خود را خواهد داشت. این دیدگاه را آیت الله سبحانی نیز، با این عنوان که نباید برای اقامه نماز در مسجدی سفر کرد، طرح کرده اند که مقصود از آن این است که به استثنای مساجد یادشده، دیگر مساجد ارزش یکسانی دارند، لذا در صورت امکان نماز در یکی از آنها، سفر به مساجد مشابه، کاری لغو و بیهوده است.^۲

سبکی نیز به نقل از شیخ ابوعلی تصریح می کند که در سفر به غیر مساجد ثلاثه، قربت و ثواب مورد انتظار وجود ندارد.^۳

۱. نووی، شرح صحیح مسلم، ج ۹، ص ۹۰.

۲. سبحانی، جعفر، «زیارت قبور و آثار سازنده آن».

http://imamsadeq.com/fa/persian/articleView?articleId=۴۷۶۳

۳. سبکی، پیشین، ص ۱۲۱.

در مجموع، این روایت از چند جهت اشکالاتی دارد که به نقد آن می‌پردازیم:
اولاً: این کلام با اسلوب معروف نزد اهل لغت یعنی به صورت استثنا آمده است. اقتضای آن وجود مستثنی و مستثنی منه در کلام است. مستثنی بعد از «الا» می‌آید و مستثنی منه قبل از آن، حال یا به صورت ظاهری و یا تقدیری و این از ساده‌ترین مسائل کتب نحوی است.

در این روایت به مستثنی «ثلاثة مساجد» تصریح شده است. اما ذکر از مستثنی منه قبل از «الا» نیست. باید آن را در تقدیر گرفت:

۱. اگر تقدیر را «قبر» بگیریم روایت منسوب به پیامبر ﷺ چنین می‌شود: «لا تشدوا الرحال الی قبر إلا ثلاثة مساجد» و چنین سیاقی ناهم‌هنگ بوده و شایسته بلاغت نبوی نیست، چراکه مستثنی از زمره و جنس مستثنی منه نیست و اصل این است که مستثنی از جنس مستثنی منه باشد.

۲. حال «مستثنی منه» مقدر را می‌توانیم «مکان» فرض کنیم. بنابراین فرض روایت چنین می‌شود: «لا تشدوا الرحال الی مکان إلا الی ثلاثة مساجد» که معنای روایت چنین خواهد شد که برای هیچ چیزی چه تجارت، چه علم، چه انجام امور خیر و ... بار سفر بستن جایز نیست و فقط برای این سه مسجد جایز است. چنین تعبیری باطل و بی‌ربط است.

۳. اینکه تقدیر مستثنی منه در حدیث لفظ «مسجد» باشد^۱ و روایت چنین می‌شود: «لا تشدوا الرحال الی مسجد إلا الی ثلاثة مساجد»؛ در این شکل، کلام هم‌هنگ و بر شیوه فصیح زبان جاری گشته است و خطاهای آشکار دو صورت پیشین در آن وجود ندارد و روح نبوی در آن می‌درخشد و قلب انسان متقی در نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ آرام می‌یابد. این به فرض آن است که روایات دیگری که تصریح به مستثنی منه کند وجود نداشته باشد و هنگامی که چنین روایاتی وجود دارد دیگر برای انسان دیندار جایز نیست که از آن عدول کند و به فرضی روی نماید که در زبان

۱. قسطلانی، ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۳۲؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۸، ص ۱۰۳.

فصیح متداول نیست.^۱ از جمله روایاتی که تصریح به مستثنی منه می‌کند، این است که عایشه می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود: «أنا خاتم الانبياء و مسجدي خاتم مساجد الانبياء، أحق المساجد أن يزار و تشد اليه الرواحل المسجد الحرام و مسجدي، صلاة في مسجدي افضل من الف صلاة فيما سواه من المساجد إلا المسجد الحرام».^۲

ثانیاً: علمای فریقین (شیعه و سنی) از قبیل قسطلانی،^۳ غزالی،^۴ ابوالحسن ماوردی،^۵ ابن الحاج القیروانی،^۶ سبکی و علمای دیگر، قصد کردن زیارت پیامبر ﷺ را راجح دانسته و در برابر ابن تیمیه - یعنی همان کسی که شبهه حرمت زیارت را مطرح کرد - به شدت موضع گرفتند.

بنابراین، سخن پیامبر ﷺ درباره مساجد برای امت روشن می‌سازد که سایر مساجد غیر از این سه مسجد در فضیلت برابر هستند؛ لذا سختی کشیدن در سفر به آن مساجد فایده‌ای ندارد، اما این مساجد افضیلت دارند؛ بنابراین، وارد کردن مقابر در این روایت نوعی دروغ بستن بر رسول خدا است. ضمن اینکه زیارت حضرت را بسیاری از علما در کتاب‌های مناسک مستحب دانسته‌اند و این امر را روایات بسیاری تأیید می‌کند، از جمله: «من زار قبری وجب له شفاعتی».^۷

♦ دلایل مخالفان ابن تیمیه

موافقان سفر برای زیارت قبور به عموم آیه شریفه ذیل استدلال می‌کنند:

۱. عیوض اوغلی، توران، «بررسی فقهی سفر زیارت قبور از دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت و فرقه وهابیت»، موجود در: <http://old.ido.ir/a.aspx?a=139012240>
۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۷۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۸۷.
۳. قسطلانی، ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۲۹.
۴. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۵۸؛ ذهبی در استدلال به این حدیث تأمل دارد؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۴.
۵. ماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۱۰۵.
۶. ابن الحاج، المدخل، ج ۱، ص ۲۵۷.
۷. ابن علوی مالکی، وهابیت و بازنگری از درون، ص ۱۴۳-۱۴۷.

آیات

۱. ﴿...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾؛ و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم کردند [فرمان‌های خدا را زیر پا گذاردند] به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.^۱

آیه مسلمانان را برای زیارت قبر مبارک پیامبر ﷺ و استغفار نزد ایشان برمی‌انگیزد. اگرچه آیه در زمان حیات مبارک پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است لکن اختصاص به زمان حیات ایشان ندارد. زیرا این یک رتبه و مقام برای پیامبر اکرم ﷺ است و با مرگ ایشان از بین نمی‌رود و سیاق آیه بهترین دلیل است. بنابراین آیه، شامل آمدن از راه دور و نزدیک می‌شود. کما اینکه حیات و ممات پیامبر ﷺ را شامل می‌شود.^۲

بنا بر تفسیر ابن تیمیه که مستثنی را در حدیث «شد الرجال» مطلق دانسته است سفر به هر مکانی مشروع نیست مگر به سه مسجد (مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی) و چنین برداشتی با آیه فوق تنافی دارد. زیرا آیه فوق مسلمانان را به سفر و هجرت تشویق می‌کند و وعده پاداش داده‌اند در حالی که بنا بر نظر ابن تیمیه چنین سفرهایی نباید مشروع باشد و این تناقض آشکار است (معنا ندارد شارع چیزی را هم مشروع و هم غیرمشروع بداند). متأسفانه موارد متعددی از تناقضات در عبارت ایشان یافت می‌شود.

۲. آیات ﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَخْلِفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ... أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛^۳ سزاوار نیست اهل مدینه و بادیه‌نشینانی که اطراف آنها هستند از رسول خدا تخلف جویند، ... واسطه آن عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود، زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند ... و هیچ مال کوچک

۱. نساء (۴): ۶۴.

۲. سبکی، پیشین، ص ۲۳۳.

۳. توبه (۹): ۱۲۰-۱۲۲.

یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی‌کنند و هیچ سرزمینی را (به سوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می‌شود تا خداوند آن را به عنوان بهترین اعمالشان پاداش دهد.

در واقع قرآن با استفاده از یک بیان عاطفی، همه افراد بالیمان را به ملازمت پیامبر ﷺ و حمایت و دفاع از او در برابر مشکلات تشویق می‌کند،^۱ و سفر برای زیارت قبر ایشان تجدید پیمان و دفاع و حمایت از آن حضرت و آرمان بزرگ ایشان خواهد بود.

و دیگر آیات از جمله آیه ۱۰۰ سوره نساء که بر اساس آن بهترین مصادیق آن خارج شدن برای زیارت پیامبر و مهاجرت به سوی قبر ایشان جهت زیارت و تجدید بیعت است.

روایات

- عموم حدیث: «من زار قبری و جائنی زائراً» که شامل دور و نزدیک می‌شوند و آنگاه که به این عمومات ثابت شد که زیارت یک عمل مستحب و قربی است، پس سفر به سوی آن نیز مستحب و قربی است. همچنین می‌توان به زیارت پیامبر ﷺ از شهدای احد اشاره کرد.

- اجماع بر این مطلب (جواز سفر) منعقد شده است؛ برای اینکه همه علما از گذشتگان و جانشینان آنها بر این موضوع اتفاق داشته‌اند.^۲

- سبکی در شفاء السقام^۳ و زرقانی در شرح کتاب المواعظ اجماع در استحباب زیارت قبور کرده‌اند. از باب مثال زرقانی در این مورد می‌نویسد: «اجماع مسلمانان بر استحباب زیارت قبور اقامه شده است و چنین اجماعی را نووی نقل کرده و اهل ظاهر زیارت قبور را واجب دانسته‌اند. لذا زیارت پیامبر مطلوب است به دلیل اینکه زیارت قبور مستحب است. و دلیل آن وجود آیات و روایات متعدد در این باب

۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، ذیل همین آیه.

۲. سمهودی، علی ابن احمد، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۴.

۳. سبکی، پیشین، ص ۲۳۶.

است، کما اینکه زیارت قبر پیامبر ﷺ تعظیم و تکریم ایشان است و البته زیارت آن حضرت در زمان صحابه مشهور و معروف بوده است و روایت شده هنگامی که عمر بن خطاب با اهل بیت المقدس مصالحه کرد و کعب الاحبار اسلام آورد عمر به آنها گفت آیا دوست دارید به مدینه بیایید و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنید و از زیارت ایشان بهره ببرید؟ کعب الاحبار در پاسخ گفت بله.^۱

با توجه به آیات و روایات می توان گفت استناد وهابیان به روایت «لا تشد الرحال» بر حرمت سفر زیارت، چیزی جز دروغ بستن بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیست و هر انسان عاقلی بعد از بررسی و تفکر به کذب ادعای وهابیان پی می برد. لذا علاوه بر اینکه اصل زیارت اشکالی ندارد، بلکه سفر به قصد زیارت مستحب است و روایات متعددی این استحباب زیارت را تأیید می کند. متأسفانه ابن تیمیه با کج فهمی و جزئی نگری در آیات و روایات از مفهوم زیارت و اصل زیارت برداشت نادرستی کرده است که این کج فهمی تبعات زیادی در جهان اسلام داشته و مستمسک گروهی بی سواد - که خود را پیرو ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب دانسته اند - قرار گرفته است و جان، مال و ناموس مسلمانان را به خطر انداخته و بدین ترتیب با فتوای نسنجیده و غلط خود چهره اسلام را خشن نشان داده اند.

◆ نتیجه

همان گونه که بیان شد، زیارت در لغت از ریشه «زور» است. زائر را از آن جهت زائر می گویند که وقتی به زیارت آن شخص می رود از غیر آن عدول می کند و رو برمی گرداند. اما در اصطلاح مذهبی زیارت نوعی دیدار خاص (توأم با اکرام) از بزرگان و پیشوایان دینی است؛ چه به حسب ظاهر در قید حیات باشند و یا از دنیا رخت بر بسته باشند.

ابن تیمیه تعریف درستی از زیارت قبور نداده و در تعریف وی تشدد و تضاد دیده می شود. به نظر می رسد وی میان مفهوم زیارت و مصادیق آن و همچنین میان بدعت

۱. زرقانی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ج ۲، ص ۱۸۳.

و ضلالت و شرک خلط کرده است. ابن تیمیه با شرعی و توقیفی دانستن زیارت، آن را منحصر در سلام کردن، دعا کردن بر میت و عبرت‌آموزی می‌داند. او همچنان با تقسیم زیارت در عرف سلف و عرف متأخرین، زیارت نوع دوم را که شامل درخواست دعا از میت، استغاثه، توسل و ... است، بدعت، ضلالت و شرک برمی‌شمارد.

در جایی دیگر ابن تیمیه در تأیید کلام خویش سعی در توجیه کلام بزرگان می‌کند، در حالی که اختلاف میان علما اختلاف مبنایی است. ای کاش مسئله به اینجا منتهی می‌شد و اختلاف را در مصادیق رها می‌کرد، اما وی قیودی به زیارت اضافه کرد که در نهایت اصل زیارت محل تردید واقع شد. لذا با دقت در عبارت ابن تیمیه معلوم می‌شود که وی تنها زیارت با قصد سفر و صرفاً جهت دعا، درود فرستادن، استغفار، بیان حزن و اندوه بر میت - که تازه از دنیا رفته - و یا عبرت‌آموزی را صحیح می‌داند و زیارتی را که صحیح و مورد اتفاق مسلمانان است و سیره صحابه و مسلمانان بر آن جاری است غیرمشروع می‌داند.

مهم‌ترین دلیل ابن تیمیه در شرط دانستن قصد سفر در سه مسجد و عدم شرط دانستن در دیگر اماکن روایت «شد الرحال» است که بر فرض صحت سند دلالت روایت با اشکالات عمده و اساسی مواجه است. زیرا در روایت دو نحوه قرائت وارد شده؛ بلکه به دو صورت (لا تشدوا الرحال و لاتشد الرحال) یعنی یکی به حالت نفی و دیگری به حالت نهی در متون حدیثی وارد شده است و خود همین اختلاف در رد کلام ابن تیمیه کافی است. اما در هر دو صورت نهایتاً روایت حرمت را می‌رساند. لذا مسئله فقهی می‌شود و مانند دیگر احکام فقهی شخص با انجام زیارت (به نحوه متأخرین) از دایره اسلام خارج نمی‌شود، بلکه فعل حرامی را مرتکب شده است و اصلاً مسئله کلامی نیست تا عنوان شرک بر آن مترتب شود. ثانیاً عموم علما مستثنی منه را در روایت مساجد می‌دانند نه همه اماکن، بنابراین مستثنی منه خاص است نه مطلق بنا بر آنچه ابن تیمیه فرض کرده است. ثالثاً آیات و روایات متعددی این برداشت ابن تیمیه را رد می‌کنند و به عبارتی برداشت ابن تیمیه مخالف با آیات و روایات و عمل پیامبر ﷺ، صحابه و سیره مستمره مسلمانان است.

ابن تیمیه بین بدعت، ضلالت و شرک خلط کرده است و مسلمانانی را که زیارت قبور را بر شیوه خویش انجام ندهند اهل بدعت، ضال و مشرک شمرده است، در حالی که بین این سه کلمه فرق زیادی است که بیان شد.

در واقع کج فهمی و جزئی نگری در آیات و روایات و عدم اهتمام به اجماع صحابه و مخالفت صریح ایشان با بزرگان مذاهب چهارگانه و سیره مستمره مسلمانان و عدم احاطه به مبانی و احکام الهی - اگر نگوییم عنادی در بین بوده - و در یک کلمه استبداد و خودرأی بودن او در اجتهاد و عدم احاطه کافی بر مبانی، وی را به بیراهه کشیده است.

لذا ابن تیمیه نه تنها در مفهوم زیارت خلط کرده، بلکه در مصادیق نیز به خطا رفته است و عبارات مختلف و متشتت او گویای همین نظر است و بر فرض صحت برداشت ابن تیمیه، وی مجتهدی است مانند دیگر مجتهدان نه بیشتر. به چه دلیل برداشت یک مجتهد در قرن هشتم بر اجماع علما و سیره مستمره مسلمانان ترجیح دارد، آن هم برداشتی که با عموم آیات و روایت مخالف باشد. و از طرفی او زیارت قبور را شرعی و توقیفی دانسته است. کدام آیه و روایت بیان وی را تأیید می کند؟ ابن تیمیه حتی یک دلیل قانع کننده اقامه نکرده است. چگونه تا قرن هشتم کسی زیارت را اصطلاح شرعی (منظور توقیفی دانستن آن) ندانسته و حتی علمای لغت در تعریف زیارت به تعریف عرفی بسنده می کنند؟ اینها همه و همه نشان دهنده به خطا رفتن ابن تیمیه در مسئله زیارت قبور است.

♦ منابع

۱. ابن الحاج، المدخل، قاهره: دارالتراث، بی تا.
۲. ابن تیمیه، احکام المرتد، گردآورنده: علی بن نایف الشحود، نرم افزار شامله.
۳. _____، إقامة الدلیل علی إبطال التحلیل، مکتبه شامله، بی تا.
۴. _____، اقتضاء الصراط المستقیم، محقق: محمد حامد الفقی، القاهرة: مطبعة السنة المحمدية، الطبعة الثانية، ۱۳۶۹.
۵. _____، الجواب الباهر فی زوار المقابر، کتب ابن تیمیه، مکتبه شامله.
۶. _____، الرد علی الأخنائي واستحباب زیارة خیر البریة، محقق: ابن یحیی، القاهرة: المطبعة السلفية، بی تا.
۷. _____، کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه، محقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، بی جا: مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۸. _____، مجموع الفتاوی، محقق: أنور الباز، چاپ سوم، دار الوفاء، بی جا، ۱۴۲۶.
۹. _____، مجموع الفتاوی، محقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، المملكة العربية السعودية: مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶.
۱۰. ابن حنبل، احمد، مسند، محقق: شعيب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۲۰.
۱۱. ابن علوی مالکی، وهابیت و بازنگری از درون، ترجمه: انيسه خزعلي، تهران: مشعر، ۱۳۸۶.
۱۲. ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون، دار الفكر، ۱۳۹۹.
۱۳. الألبانی، ناصر الدين، سلسلة الاحاديث الضعيفة، الرياض: دار المعارف، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲.
۱۴. البدعة مفهومها و حدودها، مؤسسة الرسالة، مکتبه شامله، بی تا.
۱۵. البيهقي، السنن الكبرى، محقق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴.
۱۶. الحاكم النيسابوري، المستدرک علی الصحيحين، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱.
۱۷. ذهبی، سير أعلام النبلاء، نرم افزار مکتبه شامله.
۱۸. زرقاني، شرح الزرقاني علی المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷.
۱۹. سبحانی، جعفر، «زیارت قبور و آثار سازنده آن»، در: سایت امام صادق علیه السلام (<http://imamsadeq.com/fa/persian/articleView?articleId=4763>)
۲۰. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام، تحقیق: سید رضا الجلالی، چاپ چهارم، بی جا، ۱۴۱۹.
۲۱. سجستانی، أبو داود، سنن أبي داود، محقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، صیدا - بیروت: المکتبة العصرية، بی تا.
۲۲. سمهودی، علی ابن احمد، وفاء الوفاء، چاپ چهارم، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹.
۲۳. سیوطی، الدر المنثور، بیروت: دار الفكر، بی تا، بی جا.
۲۴. عباسی مقدم، مصطفی، «بررسی متنی و سندی روایت شد الرجال»، در: حدیث پژوهی، س ۴، ش ۸، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷-۲۰۸.
۲۵. غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالمعرفة، بی تا، بی جا.

۲۶. فیومی، أحمد بن محمد، **مصباح المنیر**، بی‌جا: بی‌تا.
۲۷. القسطلانی، أحمد بن محمد بن أبی بکر، **المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة**، القاهرة: المكتبة التوفیقیة، بی‌تا.
۲۸. قسطلانی، **إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری**، مصر: المطبعة الكبرى الأمیریة، الطبعة السابعة، ۱۳۲۳.
۲۹. ماوردی، **الاحکام السلطانیة**، قاهره: دار الحديث، بی‌تا.
۳۰. متقی هندی، **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹.
۳۱. **مجلة البحوث الإسلامیة**، شماره ۸، از رجب تا شوال، ۱۴۲۹.
۳۲. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۷.
۳۳. نسائی، **سنن نسائی با شرح سیوطی وحاشیة سندى**، محقق: مکتب تحقیق التراث، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الخامسة، ۱۴۲۰.
۳۴. نووی، **شرح صحیح مسلم**، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲.
۳۵. النیسابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

